

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۳، دی ۱۴۰۲

### تعمیق شکاف طبقاتی نتیجه ناگزیر نظام سرمایه داری

نگاهی به شرایط اقتصادی اکثریت مردم کشورهای مختلف جهان و گسترش مبارزات کارگران و ستمدیدگان خیر از نارضایتی شدید توده‌ها به دلیل افزایش قیمت‌ها و تشدید نابرابری و گسترش شکاف طبقاتی می‌دهد. این واقعیت چنان آشکار است که حتی در گزارشی که اخیراً موسسه خیریه آکسفام (Oxfam) در روز دوشنبه ۲۵ دی ماه منتشر نمود هم بروشنی دیده می‌شود.

آکسفام که یکی از بزرگترین سازمان‌های بین‌المللی با ادعای کمک‌رسانی برای از بین بردن فقر و گرسنگی و بی‌عدالتی می‌باشد در پی تشدید نابرابری‌های اقتصادی در جوامع گوناگون در گزارش اخیر خود از دهه شکاف نام می‌برد و به شکاف یا اختلاف طبقاتی که تقسیم ناعادلانه ثروت در جهان را تشدید کرده است، اشاره می‌کند. با توجه به اهمیت این آمار، در این مطلب به گوشه‌هایی از آن در جهت نشان دادن تعمیق اختلاف طبقاتی در چند کشور اشاره می‌کنیم. در قسمتی از این گزارش چنین آمده است که در طی چند سال اخیر: "دارایی پنج ثروتمند بزرگ جهان دست کم دو برابر شده و از سوی دیگر حدود پنج میلیارد نفر از جمعیت جهان فقیرتر شده‌اند". آکسفام پیش‌بینی می‌کند که "ظرف ۱۰ سال آینده ثروت یک نفر به تریلیون دلار خواهد رسید در حالی که برای مبارزه با فقر ما حداقل به ۲۰۰ سال زمان نیاز داریم." همچنین آکسفام به گزارش مجله مالی فوربس، در نوامبر سال ۲۰۲۳ اشاره کرده و اضافه می‌کند که "در مجموع دارایی ثروتمندترین میلیاردرهای جهان در مارس ۲۰۲۳ به حدود ۸۶۹ میلیارد دلار رسید که حدود ۳۴۰ میلیارد دلار بود، سالانه حدود ۱۵۵ درصد افزایش نشان می‌داد".

با استناد به گزارش بالا، تفاوت فاحش فقر و ثروت را در جهان سرمایه‌داری کنونی که میلیاردها انسان از کارگران، زحمتکشان، ستمدیدگان و... را به ورطه نیستی و نابودی کشانده است به روشنی می‌توان دید و پی به عمق فاجعه در جهان امروز برد. حال اگر نگاهی کوتاه به شرایط اقتصادی و معیشت توده‌ها در بعضی از کشورهای سرمایه‌داری بیندازیم، بخصوص در دو دهه گذشته، اختلاف طبقاتی عمیقی را که زندگی انسان‌های زحمتکش را با ترس، نگرانی، ناامیدی و بسیاری از دردها و معضلات دیگر در هم آمیخته را به آشکاری می‌بینیم. اکنون نگاهی کوتاه به کشور آلمان، بخصوص بعد از سپری شدن همه‌گیری کرونا و سپس کمک‌های مالی و نظامی هنگفت به کشور اوکراین و اکنون به اسرائیل، بیندازیم. در اینجا متوجه تشدید نابرابری و افزایش شکاف طبقاتی و اوج‌گیری نارضایتی مردم، می‌شویم. درست به این دلیل است که روزی نیست که این کشور با اعتصابات و اعتراضات سراسری مواجه نگردد. یک نمونه برجسته را می‌توان تظاهرات اخیر کشاورزان علیه سیاست‌های ریاضتی از جمله علیه طرح لغو معافیت‌های مالیاتی مثال زد. در این اعتراضات، کشاورزان مبارز و زحمتکش، جاده‌ها و خیابان‌های اغلب شهرهای آلمان را بند آوردند. آنها با حمایت و پشتیبانی برحق و بی‌دریغ مردم، تظاهرات گسترده‌ای را در کشور برپا کردند. کشاورزان خواستار پایان دادن به سیاست‌های سودجویانه و استثمارگرانه طبقه حاکم که جانشان را به لب رسانده بودند. همچنین در طی ماه‌های گذشته به دلیل پایین بودن سطح دستمزدها، شاهد اعتصابات و اعتراضات چشمگیر کارگران و کارکنان حمل و نقل مانند اتوبوس رانی، راه آهن، فرودگاه‌ها و بنادر آلمان بودیم. اینها از بزرگترین اعتصابات دهه‌های اخیر بوده است که نظم موجود را تکان داد. اعتصاب‌کننده‌ها با حمایت و پشتیبانی اتحادیه‌های کارگری در کل خواهان افزایش ۱۰ تا ۱۲ درصدی دستمزدهایشان بودند. واقعیت این است که این روزها اعتصابات کارگران و کارکنان حمل و نقل و اعتصابات کارگری در دیگر بخش‌های کارگری در آلمان هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد و مردم بیشتری را به عرصه مبارزه با نابرابری، اختلاف طبقاتی و استثمار بی‌حد و حصر به خیابان‌ها می‌کشاند. تداوم این وضع شرایطی را در جامعه آلمان به وجود خواهد آورد که کارل مارکس، اقتصاددان، فیلسوف و اندیشمند انقلابی مطرح کرده است. او نوشت: "جامعه از توازن متغیر نیروهای متضاد ساخته می‌شود. بر اثر تنش‌ها و کشمکش‌های این نیروها، دگرگونی اجتماعی پدید می‌آید".

واقعیت این است که سیاست‌های سودجویانه و استثمارگرانه که ذاتی نظام سرمایه‌داری می‌باشد، پدیدآورنده شکاف طبقاتی گسترده‌ای در جامعه می‌باشد و کشور سرمایه‌داری آلمان جدا از آن نمی‌تواند باشد. در اینجا بدلیل مقدور نبودن اشاره و بررسی همه مشکلات و فشارهایی که امروز بر مردم آلمان تحمیل گردیده تنها به برشمردن بعضی از آنها اکتفا می‌کنیم تا به گستردگی فقر و تعمیق شکاف طبقاتی و عمق فاجعه‌ای که این کشور را در بر گرفته بیشتر پی ببریم. افزایش صف‌های طولانی برای دریافت غذا، رایگان، افزایش دزدی از فروشگاه‌ها، افزایش زباله‌گردی در شهرها، حذف یا کم کردن هزینه‌های زندگی مردم، فقر در عین اشتغال تیرت بسیاری از روزنامه‌ها می‌باشد. آمار بالا رفتن جنایات، آمار بالا رفتن اختلالات روانی در مردم، گرانی بی‌سابقه، بالا رفتن سرسام آور اجاره خانه، نارضایتی بازنشستگان از حقوق ناچیزشان، نارضایتی پرستاران و کارکنان در بیمارستان‌ها بدلیل فشارهای بی‌حد کاری، کمبود نورات و دستمزدهای کم، بالا رفتن سرسام آور هزینه‌های درمانی، آمار بالا رفتن افسردگی، اعتراضات معلمان، پرستاران و دیگر قشرهای زحمتکش، افزایش روز افزون تعداد گدایان در شهرها، افزایش کم سابقه هزینه‌های آب، برق و گاز، بالا رفتن قیمت آپارتمان‌ها، افزایش سن بازنشستگی به ۶۷ سال و غیره و در چنین اوضاعی رشد روز افزون نیروهای دست راستی در جامعه. اینها

شاخص‌های وضع کنونی جامعه آلمان می‌باشند. بنابراین بی‌دلیل نیست که امروز یاس، ناامیدی، اعتصاب، ترس از آینده و نگرانی‌های دیگر را در جامعه می‌توان به طور عریان شاهد بود.

روزنامه آلمانی، فرانکفورتر آگماینه در رابطه با اوضاع کنونی جامعه می‌نویسد: "آلمان کشوری است که تفاوت‌ها و اختلافات طبقاتی و اجتماعی در آن بسیار بالا بوده و خیلی بیشتر از دیگر کشورهای اروپایی به چشم می‌خورد. اکثر آلمانی‌ها اعتقاد دارند که اختلاف طبقاتی در کشورشان بالا بوده و در آینده نیز بیشتر می‌شود".

در ادامه این مقاله تأکید می‌شود که: "در حالی که طبقه پایین و متوسط جامعه آلمان شدیداً به بازار کار و دستمزدهایشان وابسته هستند اما طبقه بالای اجتماع با تکیه بر دارایی‌های زیاد، خود را از این وابستگی جدا کرده‌اند".

نگاهی هر چند مختصر به کشور سرمایه‌داری آمریکا نیز آشکار می‌کند که شکاف طبقاتی در این کشور روز به روز گسترش بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا نیز شاهد فروریختن طبقات پایین جامعه در مرداب فقر و تباهی هستیم. چنانچه در اواخر سپتامبر سال جاری میلادی در وب سایت "بیزنس اینسایدر insaider" آمریکا گزارش داده می‌شود که: "ثروت خالص ۱۵ نفر از خانواده‌های ثروتمند آمریکایی مجموعاً رقمی معادل ۶۱۸ میلیارد دلار است این در حالی است که از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۸ میلادی، رشد درآمد ۵۰ درصد از خانواده‌های آمریکایی اساساً صفر بوده است". همانطور که می‌دانیم در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی با اجرای سیاستی که به نئولیبرالیسم معروف است، ساختار اقتصادی این کشور دستخوش تغییرات بسیاری شد به طوری که ثروت بیشتر در اختیار سرمایه‌داران و یا ثروتمندان قرار گرفته و شکاف طبقاتی بیشتری بر زندگی مردم بخصوص مردم کم درآمد و زحمتکش تحمیل شده است. تبلور این وضع در اعتصابات و اعتراضات کارگری، فقر، گرانی، بیکاری و مشکلات عدیده دیگری که امروز در کشور آمریکا به طور آشکار رایج است کاملاً قابل تشخیص است. از جمله می‌توان به اعتصابات بخش درمانی (سلامت) به تاریخ ۴ اکتبر سال ۲۰۲۳ در ویرجینیا و ناحیه کلمبیا اشاره کرد. در این اعتصاب بیش از ۷۵ هزار نفر از کارمندان که شامل پرستاران، دستیاران بهداشت، سونوگرافیست‌ها، تکنسین‌های بخش رادیولوژی، جراحی، داروسازی و غیره بودند، شرکت کردند. از خواسته‌های این اعتصاب بالا بردن دستمزدها، خواست اصلی اعتصاب کنندگان بود. به طور کلی، حداقل دستمزد ساعتی ۲۵ دلار و قرار داد چهار ساله شامل دو سال افزایش ۷ درصدی و دو سال ۲۵/۶ درصدی از خواسته‌های اتحادیه‌های حمایت کننده از این اعتصاب بود.

از اعتصابات دیگر در آمریکا می‌توان از اعتصاب کارگران و کارکنان ۲۰۰ فروشگاه استارباکس که بیش از ۵۰۰۰ نفر در آن مشغول کار می‌باشند، نام برد. اعتصاب کارگران استار باکس یکی از بزرگترین اعتصابات در سال گذشته در آمریکا بوده است. کارگران و کارکنان این فروشگاه‌ها خواستار افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار و دسترسی به مزایای بیشتری می‌باشند. همچنین اعتصاب کارگران جنرال موتورز، فورد و استلانتیس در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۳ قابل ذکر هستند که بیش از ده هزار کارگر در آن شرکت کردند. این اعتصابات در دهه گذشته، اولین اقدام بزرگ کارگری در صنعت خودروسازی آمریکا بوده است. بالا بردن دستمزدها، بهبود مزایای بازنشستگی و مرخصی و بهبود شرایط کاری از خواسته‌های اصلی کارگران بوده است. در جریان این اعتصابات به تدریج کارگران همانطور که لنین آموزگار پرولتاریا تأکید نموده فرا می‌گیرند که کل طبقه حاکمه و دولت حامی آن را آماج ضربات خود قرار دهند. گفته لنین چنین است: "هر اعتصاب این درک را در کارگران تقویت و تکامل می‌دهد که حکومت، دشمن‌شان است و طبقه کارگر می‌باید خود را برای مبارزه علیه حکومت و برای حقوق توده‌ها آماده نماید. اعتصاب به کارگران یاد می‌دهد تا متحد شوند، به آنها نشان می‌دهد که صرفاً زمانی قادرند علیه سرمایه‌داری بجنگند که متحد باشند، به آنها می‌آموزد که به مبارزه کل طبقه کارگر علیه کل کارخانه داران و علیه حکومت استبدادی پلیسی فکر کنند. به همین دلیل است که سوسیالیست‌ها اعتصاب را «مدرسه جنگ» می‌نامند". درست در جریان اعتصابات و اعتراضات کارگری در آمریکا شاهدیم که موضوع گسترش فقر و تعمیق شکاف طبقاتی بحث زیادی را در بین طبقات فرودست جامعه و برخی طبقات دیگر دامن زده است. این در شرایطی است که بر اساس گزارش‌های منتشره بیش از ۴۷ میلیون نفر از مردم آمریکا زیر خط فقر زندگی می‌کنند که در نیم قرن اخیر بی‌سابقه بوده است. بی شک گسترش فقر و فلاکت یکی دیگر از پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر و دردناک در سیستم‌های سرمایه‌داری در جهان می‌باشد که بیانگر شکاف طبقاتی هر چه بیشتر در جامعه می‌باشد.

مواردی مانند عدم داشتن مسکن مناسب، عدم دسترسی به تغذیه کافی و مناسب، فحشاء، فقر بهداشتی، بی‌خانمانی و دردهای بی شماری که در اثر فقر و سختی زندگی زبان‌های جبران‌ناپذیری را در بر دارد همگی نمایانگر چهره زشت و کریه سیستم سرمایه‌داری است که اساس آنها به استثمار و کسب سود استوار است. در همین زمینه فیلیپ آلستون، گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در دسامبر ۲۰۱۷ به بررسی فقر در آمریکا پرداخته در طی بازدید دو هفته‌ای خود از این کشور به ۲۰ مورد از فقر اشاره کرده است که در اینجا برای آشنایی با ابعاد شکاف طبقاتی در آمریکا فقط به ذکر ۲ مورد آن بسنده می‌کنیم. در مورد اول فیلیپ آلستون چنین می‌نویسد: "من در جریان سفر با مردمانی دیدار کردم که به سختی در محله بی‌خانمان‌های لس‌آنجلس زندگی می‌کردند. من پلیسی را در سانفرانسیسکو دیدم که به گروهی از افراد بی‌خانمان گفت چادرهایشان را جمع کنند، اما وقتی گفتند کجا برویم، پاسخی نداشت. من مناطقی را در ایالات مختلف آمریکا دیدم که دولت‌های محلی تأمین خدمات بهداشتی برای این مناطق را جزو وظایف خود نمی‌دانستند. من افرادی را دیدم که دندانی در دهان برایشان باقی نمانده بود زیرا ارائه خدمات بهداشت دهان و دندان جزو برنامه‌های مبارزه با فقر در این کشور قرار ندارد. به من خبر دادند که بر اثر اعتیاد در مصرف مواد مخدر نرخ مرگ و میر و طلاق و

فروپاشی خانواده‌ها افزایش یافته است". در مورد دوم، وی چنین می‌نویسد: "براساس آمارهای رسمی جمعیت کارتن خواب‌های آمریکا بیش از نیم میلیون نفر برآورد شده است یعنی از هر ۵۰۰ آمریکایی یک نفر در خیابان می‌خوابد. در نیویوریک ۷۶ هزار کارتن خواب وجود دارد. حتی آمار واقعی از این آمار بیشتر است. کارتن خواب‌ها همه جا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. آنها حتی خواب راحتی ندارند و در معرض سرما، گرما و انواع سختی‌ها قرار دارند." لازم به توضیح است که آمار و گزارش‌های واقعی چیزی فراتر از آمار و گزارش مربوط به گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل می‌باشد.

از کشورهای دیگر که شکاف طبقاتی در آن بیداد می‌کند می‌توان به ایران اشاره کرد. امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در عمر ننگین ۴۵ ساله خود، مدافع منافع سرمایه‌داران غارتگر و استثمار وحشیانه کارگران و توده‌های رنج‌دیده ما بوده و طبق گفته اقتصاددانان خودشان، شکاف طبقاتی و فقر در طی سال‌های گذشته دو برابر شده است. واقعیت این است که حرص و آز سرمایه‌داران زالو صفت سبب شده که امروز شرایط بسیار دشوار و غیرقابل توصیف بر گرده کارگران و زحمتکشان و اکثریت مردم ایران تحمیل گردد. در چنین شرایطی در حالیکه اکثریت کارگران و ستمدیدگان در فقر و فلاکت به سر می‌برند، تمرکز ثروت در حیب سرمایه‌داران زالو صفت هر روز انباشته‌تر می‌گردد. این همان واقعیتی است که خسرو گل‌سرخ‌ی شاعر، نویسنده و مبارز انقلابی طی دفاعیات خود در بیدادگاه‌های رژیم شاه به آن اشاره نمود. گل‌سرخ‌ی در دادگاه گفت: "مارکس می‌گوید: در یک جامعه طبقاتی ثروت در سویی انباشته می‌شود و فقر و گرسنگی و فلاکت در سویی دیگر". در واقعیت امر، در حالیکه مولد ثروت طبقه محروم است اما ثروت در دست سرمایه‌داران زالو صفت جمع می‌شود.

در جامعه ایران، سیاست‌های دیکته شده از طرف جهان‌خواران بین‌المللی و موسسات وابسته به آنان مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با نام خصوصی سازی و یا گسترش تجارت آزاد و غیره، باعث تشدید استثمار کارگران و تجمع ثروت در نزد سرمایه‌داران داخلی و خارجی گشته است. بر این مبنای هر روز بر انبوه توده‌های گرسنه و فقیر افزوده می‌شود، به طوری که سیاست‌های نئولیبرالیستی و به عبارت دیگر امپریالیستی بیش از نیمی از مردم ما را به زیر خط فقر کشانده است.

در سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران، سرمایه‌داران بخشی از حقوق کارگران را قبضه کرده و در سر موقع به آنها نمی‌پردازند. در مواردی حقوق‌های معوقه بیش از ۲۰ ماه از سوی سرمایه‌داران زالو صفت به کارگران پرداخت نشده است. در اکثر مواقع هم اعتراض کارگران به چنین وضعی با اخراج آنان پاسخ داده می‌شود، امری که باعث گسترش هر چه بیشتر ارتش میلیونی ذخیره کار می‌گردد. شکاف طبقاتی بین کارگران مولد ثروت و زحمتکشان از یک سو و سرمایه‌داران غارتگر و زالو صفت از سوی دیگر، گسترش و رشد روزافزون کارتن خوابی و گورخوابی را در کشوری که روی ثروت بی‌کران ذخایر نفت بنا گردیده اجتناب ناپذیر کرده است. تبلیغ فروش خون، چشم، کلیه و سایر اعضای بدن برای رفع گرسنگی بر روی دیوارهای شهر به یک پدیده عادی تبدیل گردیده است. شکاف طبقاتی امر فحشاء در جامعه را حتی به سطح کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۲ ساله کشانده است. بنابراین با چنین فجایعی که فقط به گوشه‌ای بسیار کوچکی از آن اشاره شد، سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران که وابسته به امپریالیسم می‌باشد، زندگی اکثریت مردم را به ورطه نیستی و نابودی کشانده شده و سرنگونی رژیم جهانی جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه‌داری در ایران را به هدف مبارزات توده‌ها تبدیل نموده است. در چنین شرایطی صفی از نیروهای راست، فرمیست، چپ‌نما، سازشکار، اصلاح‌طلب و غیره قد علم کرده و از برابری از طریق اجرای حقوق بشر و در چهارچوب سیستم سرمایه‌داری دم می‌زنند. اینان، در واقع خواهان برابری صوری در مقابل قوانین استثمارگرانه و جنگ طلبانه دولت‌های سرمایه‌داری هستند. در صورتی که واقعیت چیز دیگری می‌باشد. برابری واقعی جز از راه الغاء طبقات ستمگر نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد. همانطور که تجربه در کشورهای اروپائی نشان می‌دهد هر قدر هم که قوانین این دولت‌ها همه جانبه تدوین گردیده باشد و انسان‌ها در مقابل آن قوانین به طور رسمی مساوی باشند برابری واقعی بدست نخواهد آمد چرا که فقط با از بین بردن مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن وسایل تولید، زمینه برای ایجاد جامعه ای برابر و عادلانه فراهم می‌گردد.

در خاتمه باید تأکید کرد که شکاف عمیق طبقاتی که امروز در ایران و جوامع سرمایه‌داری وجود دارد، نتیجه اجتناب‌ناپذیر به جیب زدن ارزش اضافی حاصل از کار و رنج کارگران می‌باشد. از این رو است که ثروت‌های بیکران در دست سرمایه‌داران خون آشام متمرکز می‌شود و زندگی اکثریت مردم جهان به نابودی کشانده می‌شود. از آنجا که طبقه کارگر آن نیروی اجتماعی می‌باشد که وظیفه تاریخی مبارزه با طبقه سرمایه‌دار برای رسیدن به سوسیالیسم را عهده‌دار می‌باشد باید با همه نیرو در جهت سازمانیابی سیاسی و اقتصادی این طبقه برخاست. طبقه کارگر تنها نیروی انقلابی است که با همراه کردن توده‌های تحت ستم دیگر با خود قادر است سرمایه‌داران وابسته و اربابانشان که صاحب سرمایه، کارخانه‌ها، ماشین‌سرکوب، زندان‌ها و اطاق‌های فکری برای فریب و استثمار توده‌ها می‌باشد را از بین ببرد. این قدرت طبقه کارگر است که سرانجام به واقعیت دردناک و وحشیانه شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی خاتمه می‌دهد و سوسیالیسم و زندگی شایسته انسانی را به ارمغان می‌آورد.

زنده باد انقلاب! پیروز باد کمونیسم!

دی ماه ۱۴۰۲

اکبر نوروزی